

فرهنگ ایران و تمدن جهان

بررسی راه طی شده ایران و تاثیر آن بر تاریخ جهان

ریچارد فولتز

ترجمه زهرا شجاعی

۹	پیش‌گفتار
۱۵	فصل ۱/ همگرایی زمین و زبان (۳۵۰۰-۵۵۰ ق.م)
۳۵	فصل ۲/ ایران و یونانیان (۲۴۷-۵۵۰ ق.م)
۵۵	فصل ۳/ پارتیان، ساسانیان و سغدیان (۲۴۷ ق.م تا ۶۵۱ م.)
۷۷	فصل ۴/ ورود اسلام به ایران (۳۰-۴۰۶ ه.ش)
۹۷	فصل ۵/ ترکان: جهانگیران و حامیان فرهنگ پارسی (۴۰۶-۱۱۰۱ ه.ش)
۱۲۳	فصل ۶/ زیر سایه اروپا (۱۱۰۱-۱۳۰۴ ه.ش)
۱۴۵	فصل ۷/ مدرن‌سازی و دیکتاتوری: عصر پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ه.ش)
۱۶۳	فصل ۸/ جمهوری اسلامی ایران (از ۱۳۵۷ تاکنون)
۱۸۱	وقایع‌نگاری
۱۸۳	کتاب‌شناسی
۱۸۵	وب‌سایت‌ها
۱۸۷	نمایه

فصل ۱

همگرایی زمین و زبان (۳۵۰۰-۵۵۰ ق.م)

داریوش بزرگ، کسی که در طول ۳۶ سال پادشاهی خود، از ۵۲۲ تا ۴۸۶ قبل از میلاد، به امپراتوری پارس‌ها (هخامنشیان) استحکام بخشید، اولین بیانیه ثبت‌شده تاریخ را از خود به‌جا گذاشته که در آن به‌صراحت به تعیین هویت ایرانی اشاره شده است. چنانکه وی در یکی از کتیبه‌های شاهانه خود اظهار می‌کند: «[من] یک هخامنش [هستم]، یک پارسی، پسر یک پارسی، یک آریایی، از نسل آریایی». [۱] داریوش پیرو چارچوبی که هنوز هم در بسیاری از موارد در خاورمیانه امروزی دیده می‌شود، در ابتدا خود را در قالب خانواده، سپس قبیله و در آخر بر اساس گروهی بزرگ‌تر، که امروزه به آن «نژاد» یا «قوم» گفته می‌شود، معرفی می‌کند.

کلمه «ایران» از همان ریشه «آریایی» گرفته شده است. هریوس^۱، کلمه‌ای است که در حدود پنج هزار سال پیش در استپ‌های اورآسیا در زبان گفتاری به معنی «عضوی از گروه ما» بوده است. شاید پانزده قرن بعد این تعیین هویت معنی «انسان‌های نجیب و شریف» که به کلمه «ما» اشاره دارد را به حایز شده باشد. مردمی که از این کلمه جهت ابراز هویت خود استفاده می‌کردند آن را به محل زندگی خود گسترش دادند: ایرینه‌وئیجه^۲ (ایران‌ویج) یا سرزمین نجیب‌زادگان. از آنجا که تاریخ آنها شامل قرن‌ها مهاجرت از زادگاه اصلی خود در نزدیکی کوه‌های

اورال در سیبری به طرف جنوب غربی بود، ایران ویج در طول دوره‌های مختلف مکان ثابتی نبوده است. به عبارت دیگر، «ایران» همیشه جایی که امروز هست نبوده، بلکه سرزمینی فراتر از شمال و شرق بوده است.

در زبان‌شناسی، زبان ایرانی به زیرگروهی از زبان‌های هندواروپایی گفته می‌شود که تمامی زبان‌ها در این گروه از زبانی با ریشه مشترک به وجود آمده‌اند. ما سخنگویان این زبان را در طول هزاره چهارم قبل از میلاد ساکن شمال دریای سیاه و دریای خزر می‌دانیم. این دوره تصویری کلی در طول زمان به دست می‌دهد: مردم مذکور قبلاً از مناطق دیگر آمده‌اند و بعدها تغییر مکان داده‌اند، در حالی که زبان آنها همچون دیگر زبان‌ها پیوسته در حال تغییر بوده است، از زمانی به زمانی دیگر گروه‌ها از قبیله اصلی جدا شده و هر کس به راه خود رفته است و از آنجا که این ازهم‌گسستن‌ها دائمی شد، گویش‌های خاص آنها از یکدیگر فاصله گرفت. سخنگویان این شاخه‌ها که با زبان‌های سلتی، آلمانی، ایتالیایی و یونانی تکامل یافتند، به سوی غرب اروپا راهی شدند، مابقی که شامل هندوایرانی‌ها و تخاری‌ها بودند، در جهت مخالف حرکت کردند (به نظر می‌رسد نیاکان اسلاوها کمابیش در جای خود باقی مانده‌اند).

زبان نیامشترک در دگرگونی تاریخ دوران قبل از ایرانیان و دیگر مردمان هندواروپایی نقش بسزایی دارد. مقایسه اسطوره‌ها و فرهنگ‌های مادی گوناگون آنها می‌تواند اطلاعاتی در رابطه با نیاکان هندواروپایی در اختیار ما بگذارد، اینکه روش زندگی آنها چگونه بود، چگونه به مسائل می‌نگریستند، چه چیزهایی اختراع کردند و چه تاثیری بر جهان داشته‌اند. آریایی‌ها فرهنگ‌های غیرهندواروپایی در سرتاسر اورآسیای شمالی، از اروپای شرقی تا مغولستان و فراسوی آن را نیز تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. اسطوره‌ها و آیین‌های آنها

حتی بر چین و ژاپن ماقبل تاریخ نیز تاثیر گذاشته است. [۲]

فرهنگ آریایی که در هزاره چهارم قبل از میلاد نطفه بست، در [ابتدا] بسیار متفاوت بود. جمع‌آوری حیوانات اهلی و تغییر چراگاه‌های تابستانی و زمستانی به میزان قابل توجهی در زندگی مردمانش نقش داشت (نوعی زندگی اجتماعی اقتصادی که به آن زندگی روستایی-چادرنشین نیز گفته می‌شود).

آنها ثروت را در چارچوب مالکیت گاو و گوسفند می‌دانستند، که اغلب آنها را از راه غارت دام‌های همسایگان به دست می‌آوردند. آنها بی‌نهایت مردسالار بودند و تقسیم‌بندی‌های اجتماعی مشخصی را بین سه طبقه در نظر گرفتند: موبدان/فرمانروایان، ارتشیان/کشاورزان و صنعتگران. این تقسیم‌بندی‌های اجتماعی چیزی را بنیاد نهاد که بعدها در هند تبدیل به نظام طبقاتی شد. فرهنگ روستایی-چادرنشینی استپ‌نشین‌ها به طرز عجیبی در طول پنج هزاره گذشته پابرجا بود و تا قرن بیستم ادامه یافت، که هنوز حدود یک‌سوم از جمعیت ایران به این شیوه زندگی می‌کردند.^۱

اخلاقیات جنگ‌طلبانه همیشه در جوامع چادرنشین بارز بوده است. غارتگران آریایی باستان، دام، زمین و زن را به زور تصاحب نمی‌کردند بلکه آنها را از دست افراد بی‌لیاقتی که سزاوار آنها نبودند آزاد می‌کردند. اشعار آنها ارزش‌هایی را در داستان‌های حماسی مورد ستایش قرار می‌داد که بسیاری از آنها وارد متون کتبی از قبیل ریگ‌ودای^۲ سانسکریت، اوستای زرتشتیان و کتاب پادشاهان پارسیان شد.

افسانه قهرمانی که اژدهایی را می‌کشد و دختر زندانی را نجات می‌دهد، در بسیاری از فرهنگ‌های هندواروپایی دیده می‌شود که به دوران باستان برمی‌گردد. سرود نیایش اوستایی برای آنهایتا^۳ شامل چنین رویدادی است، جایی که تُرئیتوئه^۴ قهرمان از این الهه تقاضای قدرت برای غلبه بر اژدهای غول‌پیکر با سه دهان، سه سر، شش چشم و یک هزار نیرنگ را دارد: «ای اَرْدویسورِ آنهایتا! ای نیکا! ای توان‌ترین! مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر «اژدهاک» سه پوزه سه کله شش چشم، آن دارنده هزار چالاکي، آن دیو بسیار آرزومندِ دروج، آن دُرُوندِ آسیب‌رسانِ جهان و آن زورمندترین دروجی که

۱- بر اساس اطلاعات منابع تاریخی، در سال ۱۲۴۵ (۱۸۶۶ م.) حدود ۲۸/۶ درصد از جمعیت ایران را عشایر تشکیل می‌دادند که این نسبت در سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) به ۹/۶ درصد کاهش پیدا کرد. بر اساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفت، در سال‌های اخیر نسبت جمعیت عشایر کشور به کل جمعیت به ۱/۶۸ درصد کاهش پیدا کرده است. ویراستار.

2- Rig veda

۳- از اسطوره‌های ایرانی که در باور ایرانیان باستان الهه آب بوده است. م.

4- Oraētaona:

نام فریدون در اوستا چنین نگاشته شده است. م.